

بین المللی هم مجبوریم استفاده کنیم. مثلا تولید سرانه ایران با توجه به برآوردهای موجود در سال ۱۳۷۵ حدوداً ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار محاسبه شده در حالی که ظرفیت تاریخی ما حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار دلار به ازای هر نفر است. لذا بیش از ۵ تا ۷ درصد از ظرفیت تاریخی مردم ما بکار گرفته نشده است، در حالی که آنها از صبح تا شب و طی سال تلاش می کنند؛ مسؤولان سیاستگذاری می کنند و دولت اجرا می کند ولی درنهایت مجموعه تلاش ها به جایی می رسد که ما سالانه حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار درآمد سرانه بدست می آوریم. به عبارت ساده تر، ما هنوز تونل استفاده از حدود ۹۵ درصد ظرفیت تاریخی خود را بدست نیاورده ایم.

### نیاز به تولید بیشتر

نیاز به سطح بالاتری از تولید داریم. در کلان جامعه، بخشی از این تولید سرمایه گذاری می شود، یعنی راه، مسکن و کارخانه ساخته می شود. بخش دیگری را جدا می کنیم و در اختیار دولت قرار می دهیم تا هزینه های اجتماعی را انجام بدهد، مثل هزینه آموزش و پرورش و امنیت و... یک بخش دیگر هم در اختیار خانواده قرار می گیرد که زندگی عادی خانوار را تأمین می کند.

ارقام سال ۷۵ نشان می دهد که به ازای هر خانوار در جامعه، در ماه رقمی حدود ۳۲ هزار تومان سرمایه گذاری کرده ایم. به ازای هر خانواده، دولت در ماه ۲۳ هزار تومان هزینه جاری صورت داده است و به ازای هر خانواده در ماه در حدود ۶۲۰۰۰ تومان هم مصرف خصوصی داشته ایم. اگر این ارقام را با نیازها مقایسه کنیم ملاحظه می کنیم که بشدت در هر زمینه ای آسیب پذیر هستیم.

### ضرورت حجم زیاد سرمایه گذاری

سرمایه گذاری که انجام می دهیم برای این است که برای جوانان شغل ایجاد کنیم، تجهیزات کهنه را نو کنیم، عقب ماندگی های تاریخی مان را جبران کنیم، راه آهن و راه و... بسازیم، تعداد بنادر را به حد مطلوب برسانیم، آب و خاکمان را مهار کنیم، به جنگل هایمان برسیم. اینها در حقیقت یک عقب ماندگی تاریخی است. یعنی ما، بایستی ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال پیش براساس روال دنیا این کارها را انجام می دادیم و این کار را نکرده ایم و حالا باید بتدریج جبران کنیم.

### ریشه مشکل هویت

۱- ریشه مشکل هویت، در بحرانهای اقتصادی و فقر است.  
بحرانها در حوزه تورم، آسیب پذیری اجتماعی، کمبود سرمایه گذاری و کمبود اشتغال

# پیشکش طبقه اجتماعی جدید در ایران

تلخیصی از گفتگوی دکتر حسین عظیمی  
با اخبار اقتصاد

روزنامه اخبار اقتصاد دریکی از شماره های تابستان گذشته در گفت و گویی با دکتر حسین عظیمی به ارایه نظریات ایشان درباره اقتصاد ایران و مسایل مبتلابه آن از جمله ظرفیت نیروهای مولد، جایگاه و تعریف طبقه متوسط در ایران و ریشه یابی بحران اقتصادی پرداخت. از آنجا که نشریه چشم انداز ایران بر آن است تا خوانندگان عزیز را با نظریات راهبردی مختلف آشنا کند، تلخیصی از آن گفت و گو را تقدیم خوانندگان می نمایم.

### تجزیه و تحلیل مسایل اقتصاد ایران را باید از متغیر تولید شروع کرد

آیا این تولید در حال رشد است یا نه؟ تلفیق این وضعیت با چگونگی توزیع درآمد به چه صورت است؟ آیا وضعیت رفاهی جامعه خوب است یا نه؟ یعنی این تولید برای نیازهای جامعه کفایت می کند؟

### ۹۵ درصد ظرفیت تولیدی ما بلا استفاده است

بسیار کم ظرفیت جامعه و ظرفیت تولیدی بنا هم در نظر می گیریم، ضمن آن که ما از یک پول



نمایان می‌شود. این بحران‌ها مسایل دیگری ایجاد می‌کند و ما را با مشکل هویت مواجه می‌کند. مثلاً در مقابل خودمان، کشوری مثل سوئد را می‌بینیم که فقط برای خدمات تأمین اجتماعی مردم خود چیزی بیش از ۱۰ هزار دلار برای هر نفر خرج می‌کند که در مقایسه با ۲۵۰۰ دلار تولید سرانه کشورمان می‌بینیم که فقط هزینه تأمین اجتماعی سوئد ۴ برابر تولید سرانه ملی ماست و بعد می‌پرسیم چرا؟ چرا اینقدر فقیریم؟

۲- گروه کوچکی که بخش زیادی از این منابع محدود را به هر دلیلی به طرف خود می‌برد.  
۳- دولت سالاری... فرمان‌های سلیقه‌ای در گوشه و کنار کشور ریشه دوانیده است. اگر هم بتوانیم جامعه را قانونمند کنیم، این اول کار است. جوامع صنعتی نه تنها قانونمند هستند که در فرهنگشان آنها قانون را طوری تعبیر و تفسیر می‌کنند که به نفع مراجعه‌کننده است.  
۴- به دلیل استراتژیک بودن این منطقه و تأمین نفت، حوادث جهان مستقیماً و شدیداً بر ما اثر می‌گذارد.

### کشوری می‌تواند از ظرفیت تولیدی خود استفاده کند که سه کار را انجام دهد

- ۱- اندیشه‌های اصلی تمدن معاصر خود را بشناسد و آن را هضم کند.
- ۲- این اندیشه‌های اصلی را به اندیشه‌های تفصیلی مبدل سازد و هضم کند.
- ۳- نهادهایی را که تضمین‌کننده شکوفایی این اندیشه‌های تفصیلی هستند ایجاد کند.

### دو ویژگی اندیشه تمدن معاصر

- ۱- اندیشه تمدن معاصر در حوزه ایدئولوژیک به برابری انسان‌ها برمی‌گردد.
- ۲- محدودیت علم و فن یعنی مشروعیت همه جا با علم است و با قانونمندی‌های شناخته شده علمی.

### نگرش به زندگی‌مان را باید عوض کنیم

با توجه به بافت تمدن قدیم هند که براساس نظام کاست متکی بود، این مشکل تنها ویژه ما نیست، بلکه در تمام جهان همین وضع در دوران ماقبل تمدن صنعتی معاصر وجود داشته است. اما کشورهای توسعه‌یافته به این توفیق دست یافته‌اند که این شیوه غلط را بشکنند، ولی ما عملاً این نوع نگرش به زندگی را از بین نبرده‌ایم... دولت در فرهنگ ما به معنی پول، قدرت، ثروت و شکوه است. هنوز در فرهنگ ما مسؤلیت‌پذیری وارد مفهوم دولت نشده است.

### پیدایش طبقه اجتماعی جدید که خواهان

### تغییرات اساسی است

یک طبقه اجتماعی جدید در حال شکل‌گیری است که فرهنگ متکی بر علم و اصالت انسان را پذیرفته است. بخش عمده ۱/۵ میلیون دانشجوی کشور و خانواده‌های آنان در این طبقه هستند.

خاستگاه طبقه متوسط در رابطه با شیوه تولید است. شیوه تولید هم بحث صرف اقتصادی نیست. در اروپا هم طبقه متوسط محور تغییرات در جامعه بود. در ابتدای تحول جامعه صنعتی، تکنولوژی ساده بود و نیازی به علم و تخصص احساس نمی‌شد و جامعه به دو طبقه کاملاً متمایز که در مقابل هم قرار می‌گرفت، تقسیم می‌شد. طبقه صاحب سرمایه و طبقه کارگران بی‌چیز. بتدریج سرمایه‌گذاری بیشتر صورت گرفت و تکنولوژی پیچیده‌تری را می‌خواستند و آن هم نیازمند متخصص و علم بیشتر بود. همراه با توسعه تکنولوژی، رفته رفته این طبقه متوسط هم وسعت گرفت و به خاطر جایگاه خود قدرت پیدا کرد و توانست در برابر دولت بایستد و آرام آرام توانست در دولت سرمایه‌داری آن موقع نفوذ کند و لیبرالیسم خشن قرن ۱۹ اروپا را عوض کرد و دولت سوسیالیسم اروپایی را پایه‌گذاری نمود.

### منشاء پیدایش طبقه متوسط فرهنگی در ایران

طبقه متوسط در ایران در رابطه مستقیم با تولید اقتصادی شکل نگرفته است، بلکه منشاء وجود آن را باید در درآمد و بخش نفت صادراتی کشور جستجو کرد. به همین حیث این طبقه را طبقه متوسط فرهنگی نامیده‌ام که ناشی از گسترش نظام آموزشی و گسترش شهرنشینی است، ولی هیچ‌یک از این پدیده‌ها در رابطه مستقیم با تولید اقتصادی نمی‌باشد. چون درآمد نفت داشتیم، روی نظام آموزشی کار کردیم و امکان گسترش شهرنشینی را به صورت امروزی یافتیم و این حوادث طبقه متوسطی را پدید می‌آورد که از نظر خاستگاه فرهنگی، همان را می‌خواهد که طبقه متوسط جامعه صنعتی می‌خواهد ولی از نظر اقتصادی دارای آن جایگاه نیست. این طبقه فشار می‌آورد تا ارزش‌های خود را به دولت تحمیل کند... آموزش را سامان دهد و اگر موفق شود تولید ملی بطور جهشی افزایش خواهد یافت.

### پدیده نوظهور مالکیت خصوصی در ایران

در قدیم مالکیت خصوصی به این صورت که به صورت شخصی مالک باشد، نبود. چون اول باید قدرت سیاسی را قبضه می‌کرد و بعد به تبع حاکم شدن، هر وقت هم می‌شد در دنیا پدید

شما باید با نشان دادن کار و تلاش و نبوغ و سازماندهی و اختراع، ثروتمند شوید و بعد اگر مایل باشید وارد حوزه سیاست شوید پس مالکیت خصوصی در ایران پدیده‌ای جدید است.

### عدم امنیت سرمایه در فرهنگ گذشته ما ریشه دارد

چون در گذشته ثروت ناشی از زور بود نه کار و کارآفرینی و براساس این فرهنگ، سرمایه و پول قابل توجه معادل نزدی تلقی می‌شد لذا به راحتی در حال حاضر مصادره می‌کنیم و هیچ کس نمی‌تواند نسبت به سرمایه خود احساس امنیت کند هر چند قانون آن سرمایه را به رسمیت شناخته باشد.

### عملکرد بخش خصوصی ناشی از ناامن بودن سرمایه است

بخش خصوصی ما هم این ویژگی را پیدا کرده که سرمایه خود را پنهان کند و به دنبال درآمد بادآورده سریع برود و کمتر به تولید کالایی بیندیشد و سرمایه را خارج کند.

### مشکل اقتصاد ما دولت سالاری نیست، بلکه کسانی هستند که اموال عمومی را حیف و میل می‌کنند

با آن که بخش دولتی ما دارای مالکیت بیش از حد وسیعی است و حتی بخش خصوصی، در صادرات گرفتار دولت سالاری است و همه جناح‌ها اعم از راست و چپ و میانه، مشکلات را مالکیت دولتی می‌دانند، اما با این حرف‌ها آتش بیار تنور کسانی شده‌اند که به دنبال حیف و میل کردن اموال عمومی هستند.

جناح چپ می‌خواهد عمده تولید در دست دولت باشد ولی دولت به مردم زور نگوید دیگر چنین کاری شدنی است؟

### اقتصاد خصوصی به فاشیسم منجر می‌شود

جناح راست می‌خواهد همه کارها را به تجار و صاحبان سرمایه بسپاریم و آنها را در مسایل اقتصادی آزاد بگذاریم، ولی در جبهه اجتماعی و فرهنگی مردم را کنترل کنیم. اگر این گونه بشود نهایتاً نوعی فاشیسم ایجاد خواهد شد.

### راهبرد اساسی برای اقتصاد ما چیست؟

باید فهمید که انسان باوری و علم باوری چیست؟ باید تمدن معاصر بشری را فهمید و درک کرد که جوامعی که نخواهند در راستای انسان باوری و علم باوری حرکت کنند، الزاماً دچار بحران‌ها می‌شوند و در سیر اضمحلال پیش می‌روند.

